

۲۱۴۹۱۱۰

ریشه‌های پنهان قیام خونین

۱۹ بهمن ۱۳۳۰ هجری شمسی

خطه سیستان

(و نقش پررنگ روحانیت شیعه در تحقق واقعه)

مؤلف و تهیه‌کننده:

محمد رحیمی نژاد (بزی)



NAGHOOS
PUBLICATION

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

: رحیمی نژاد، محمد، ۱۳۴۵-

: ریشه های پنهان قیام خونین ۱۹ بهمن ۱۳۳۰ هجری شمسی خطه سیستان و نقش پررنگ روحانیت شیعه در تحقق واقعه/مolf و گردآورنده محمد رحیمی نژاد (بزی)

مشخصات نشر

: تهران: انتشارات ناغوس، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری

: ص. ۲۶۶.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۳-۲۷۰-۳

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

موضوع

: واقعه سیستان، ۱۹ بهمن ۱۳۳۰

موضوع

: *Historical incidence of Sistan, 9TH Feb 1952

موضوع

: سیستان و بلوچستان—تاریخ—۱۳۵۷-۱۳۰۴

موضوع

: Sistan and Baluchestan(Iran)—History—1925-1978

رده بندی کنگره

: DSR۱۵۱۳:

رده بندی

: ۹۵۵/۸۲۴۰۴۵۳:

شماره شابک

: ۷۸۹۸۲۳۷



NAGHOOS
PUBLICATION

برای خرید Online به آدرس زیر مراجعه کنید:

www.naghoospress.ir

انتشارات ناغوس

: ریشه های پنهان قیام خونین ۱۹ بهمن ۱۳۳۰ هجری شمسی خطه سیستان

نام کتاب

و نقش پررنگ روحانیت شیعه در تحقق واقعه

ناشر

: انتشارات ناغوس

: محمد رحیمی نژاد (بزی)

مolf و گردآورنده

: ۱۳۹۹

چاپ اول

: ۱۰۰ جلد

تیراژ

: برجسته

چاپ و صحافی

: دکتر جواد شهریاری

ویراستار علمی

: یاسمن تجملی محدث

ناظر چاپ

: ۴۵۰,۰۰۰ ریال

قیمت

: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۳-۲۷۰-۳

شابک

: 978-600-473-270-3

ISBN

کلیه حقوق برای سرمایه گذار محفوظ است. تکثیر تمامی یا قسمتی از این اثر به صورت روفجینی یا چاپ مجدد، چاپ افست، پلی کپی، فتوکپی و انواع دیگر چاپ ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

انتشارات ناغوس

بلوار کشاورز - خیابان آذر - کوچه پارسی - پلاک ۱۰

تلفاکس: ۶۶۴۷۸۹۵۷ - ۶۶۳۷۸۹۵۸

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل ۱	۱۵
بخش اول	۱۵
بخش دوم	۲۴
بخش سوم	۵۶
بخش چهارم	۶۴
فصل ۲	۹۵
بخش اول	۹۵
بخش دوم	۱۱۳
بخش سوم	۱۲۴
فصل ۳	۱۳۵
بخش اول	۱۳۵
بخش دوم	۱۳۶
بخش سوم	۱۶۹
بخش چهارم	۱۷۷
فصل ۴	۱۸۵
بخش اول	۱۸۵
بخش دوم	۱۹۸

فصل ۵ ۲۰۷

بخش اول ۲۰۸

بخش دوم ۲۱۴

بخش سوم ۲۱۶

بخش چهارم ۲۲۳

بخش پنجم ۲۲۴

بخش ششم ۲۲۷

پیوست ۲۳۵

www.ketab.ir

در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۳۰ هجری شمسی، بنا بود درسیستان و احیاناً در سایر نقاطی از ایران برنامه انتخابات مجلس شورای ملی صورت گیرد و از مدت‌ها قبل، نظام و دولت وقت، اقدامات مقتضی، با هدف و شعار مردم‌گرایی، در نظر گرفته و زمینه و بستر اجرایی و عملیاتی آن را نیز تدارک دیده بود. و نفراتی از دستگاه‌های نظارتی را آماده و نسبت به اعزام به مناطق مشخص شده اقدام لازم معمول گردید و برای سیستان هم شخصی به اسم اشتریه به عنوان بازرس قضایی، اختصاص یافته بود و ضمن، ابلاغ محل ماموریت، مشارالیه خود را به سیستان رساند و آماده خدمت گردیده بود و در آن زمان شخص فرماندار شهرستان زابل نیز تعویض شده بود و شخصی به اسم کوثر به عنوان فرماندار زابل انتخاب و اعزام گردید و آقای اشتریه قبل از حضور فرماندار، خود را به زابل رسانده بود. و مدتی بعد هم شخص فرماندار جدید خود را معرفی و مشغول خدمت گردیدند. از آن جایی که فرماندار جدید، جایگاه خاندان علم را در دربار شاهنشاهی و نزد سفیر کشور انگلستان می دانست، از همان ابتدای ورود بنا را بر خوش خدمتی به خاندان علم گذاشت و علناً به حمایت از نامزد مورد حمایت برخی از وزرای کابینه‌ی دولت (خزیمه‌ی علم پسرعموی وزیر کشاورزی دولت محلی علاء، به اسم امیر اسدالله علم بود) پرداخت که مردم متوجه این اقدام کاملاً آشکار فرماندار گردید، و نامه پراک‌هایی به تهران نمودند و درخواست نمودند که نماینده سیستان باید از خود مردم سیستان انتخاب گردد. ولی این اقدامات به بازی‌های خیمه شب بازی بیشتر شباهت داشت تا این که به آن، یک اقدام مدعی و اصولی نگریسته شود و بارها و بارها برای این مردم و کاندیدای مورد نظرشان مشکل ایجاد نمودند تا جایی که علناً در داخل شهرستان زابل به واسطه طرفداران پولدار خزیمه‌ی علم (سردارنارویی و...) حمله ور شده و مرگ بر زابلی سرداده اند و اقداماتی از این دست کارها که در نهایت، خون مردم زابل را به جرش آورده و در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۳۰ هجری شمسی خبری منتشر شد و به گوش تمام مردم می‌رسید که فرماندار و نماینده قضایی نظارت بر انتخابات شهرستان زابل توسط مردم سیستان کشته شده‌اند و علت آن برای عموم مردم ایران ناشناخته ماند و این خبر دهان به دهان می‌چرخید و بین عموم مردم پخش شد تا این که روزی با فکر چاره‌اندیشی افتاد تا علل واقع را بررسی نماید، در این زمان سکان دولت در اختیار دکتر مصدق بود، به همین اساس به دستگاه قضایی وقت ابلاغ گردید که قضاتی جهت بررسی این واقع به سیستان اعزام و مواظبت مورد رسیدگی کارشناسانه قرار گرفته و نتیجه گزارش گردد. دو تن از قضات دادگستری مرکز با یک دستگاه سواری بیوک مدل ۴۷ به سیستان عزیمت و در حین استمرار حکومت نظامی که از قبل در زابل برقرار بود وقایع و قیام و خیزش مردم زابل مورد بررسی این کارشناسان خبره قرار گرفت. که نکاتی بسیار کلیدی کشف و به مرکز ایران منعکس گردید و برخلاف انتظار مردم سیستان که منتظر چشم تیزبین و عدالت‌خواهی می‌گشتند که به نفع مردم حکم عادلانه را ابلاغ نماید. این عدالت ابلاغ نگردید که هیچ، از سویی دستگاه جور و ظلم پهلوی بنای برخورد خشن و پلیسی را در پیش گرفت و به جای برخورد با قاتلین مردم، متأسفانه فعالین سیاسی و خواص و خانواده‌های مقتولین به اشد مجازات محکوم شدند و به عبارتی، درس عبرتی برای

تمام مردم ایران گردیدند. با تشکیل ساواک، بردامنه‌ی این فشارها افزوده شد. در ذیل این مرقومه ریشه‌های نهفته‌ای وجود دارد که مورد بررسی قرار داده‌ام که جهت آگاهی مردم فهیم ایران باتوجه به بزاغت و توانم معروض می گردد. در ذیل و متن این مرقومه ریشه‌های نهفته‌ای وجود دارد که مورد بررسی قرار داده‌ام که جهت آگاهی مردم فهیم ایران باتوجه به بزاغت و توانم معروض می گردد. اگر اصل شخصیت این خواص و فعالین سیاسی را کنار گذاشته و به کن قضیه به صورت موشکافانه نظری بیفکنیم نکات برجسته‌ای رخ می نمایند که به نوبه خود حائز اهمیت است. امیدوارم که اهل فن در مشاهدات کم و کاستی‌های ادبی و... مشهوده را، به بنده ببخشایند و علت را کمی وقت بنده و ازدیاد مطالب و ازسویی سردرگمی مطالب و ترس مردم از بیان علل واقع می‌باشد. خواسته دیگری که از خواننده عزیز دارم این است که بسلسله فصول را با هم مطالعه نمایند. زیرا این مطالب مثل زنجیر به هم متصل می‌باشد و جهت تفهیم غالب انتظار دارم، تمام و کل کتاب را مورد مطالعه واقع تا منتج به نتیجه درست گردد. انشا... .

در سیستان طوایف و قومیت‌های گوناگونی زندگی می‌کنند و هر طایفه براساس فاکتورهایی به سایر طایفه‌ها فخر و رشادت می‌نمایند و اساس برتری خود می‌دانسته‌اند و در پاره‌ای از موارد در فعل نیز می‌نمایند. در مطالعه و تحقیقات دوره‌ای که در زمینه‌های گوناگون این موضوع و برخی دیگر صورت گرفت و این حقیر به دنبال کشف پاشخ‌های و محکم برخی سوالات بودم و در زمینه استان سیستان و بلوچستان مطالعاتی انجام دادم که دریافت: برخی پاسخ‌ها، جواب کافی و قانع‌کننده‌ای به دست نیاوردم بر همین اساس سوالات من افزون گشت تا این که در راستای این نیازمندی پژوهشاتی نمودم که نتیجه‌ی آن متن حاضر گردید که در سر جمع موضوع، برای من و سایر کسانی که این مجموعه را مطالعه خواهند نمود انشا... مفید خواهد بود. در یکی از بررسی‌های میدانی از که‌دکان و نوجوانان سیستانی ساکن در استان‌های مازندران و گلستان سوالاتی مطرح و در جواب به مطالبی رسیدم که جالب بود. در ادامه پژوهش و تحقیق از یکی از که‌دکان وابسته و فامیل، از او سوال نمودم که زان که است و به چه کسانی زابلی می‌گویند؟ این کودک سعی می‌نمود که کسی از هم سن و سال هایش متوجه زابلی بودن وی نگردند و از این که دیگران بدانند که سیستانی است نگران و مضطرب بود. علت این مهر را که وی جویا شدم دلیل خاصی مطرح نکرد و دست و پاشکسته از موطن پدری‌اش مطالبی گفت که بیش‌تر به آبروگان و تبعیدی‌ها بیشتر می‌آمد تا به یک سیستانی با آن همه تمدن و تاریخ درخشان گذشته است. از رستم‌دار سیستان. در تحقیقی دیگر، از نوجوانی پرسیدم که اگر سیستانی باشی، به سیستانی بودن افتخار می‌کردی یا نه؟ وی گفت نه. پرسیدم چرا؟ گفت شما به من بگو این سیستانی که ارزش یاد می‌کنی در انقلاب چه کاری انجام داده تا من و امثال من از این اقدام آن دیار افتخار و خوشحال شویم؟! در ابتدا گفتم این جوان درست می‌گوید. چه فداکاری و چه تلاشی این خطه از ایران در به ثمر رسیدن انقلاب انجام داده است؟ ولی کمی که فکر کردم و به قول معروف، به سوابق انقلابی مردم سیستان که رسیدم خودم متعجب شدم که چرا چنین تفکری را به ذهن خود راه دادم! به خود گفتم انصاف را مراعات کن ببین در شرایطی که برای مردم سیستان حادث شد جایی برای فعالیت سیاسی باقی مانده بود که این مردم انجام نداده باشند؟